



ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در راستای اهداف توسعه پایدار

پدیدآورده (ها) : روح افزا، فائزه؛ اکرامی، عطیه

میان رشته ای :: فرهنگ :: تابستان 1388 - شماره 70

از 169 تا 194

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/572169>

دانلود شده توسط : مهرناز مومنی

تاریخ دانلود : 18/06/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در راستای اهداف توسعه پایدار

فائزه روح‌افزا

کارشناس ارشد مطالعات زنان

عطیه اکرامی

کارشناس ارشد مدیریت محیط زیست



چکیده

توسعه پایدار به‌عنوان یکی از بسترهای تعالی و رشد انسان، آنگاه می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که با یاری و مشارکت همه گروه‌های اجتماعی و برای همه آنان انجام شود. در میان گروه‌های اجتماعی، زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و به دلیل ارتباط مستقیم آنان با گروه‌های سنی جوانان، نوجوانان و کودکان و نیز تأثیر بر نیم دیگر جمعیت، یعنی مردان، از مهم‌ترین و مؤثرترین گروه‌های اجتماعی به‌شمار می‌آیند و این واقعیتی است که در جوامع در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به همین سبب، علی‌رغم برنامه‌ریزی‌ها و حمایت‌های انجام‌شده، هنوز زنان در برخی کشورها نتوانسته‌اند به جایگاه و نقش مناسب خود در اداره امور کشور و تصمیم‌گیری‌های کلیدی دست یابند.

به هر تقدیر، جامعه‌ای که می‌خواهد به‌سوی توسعه حرکت کند اگر صرفاً به عوامل مادی توجه داشته باشد و تعالی انسان‌ها و کاهش نابرابری‌ها را در نظر نگیرد، به موفقیت دست نخواهد یافت. به عبارت دیگر، سواد، تندرستی، تغذیه صحیح و تأمین مسکن در جامعه، جزء نیازهای اساسی زن و مرد، دختر و پسر است. اگر در جامعه‌ای ضریب باسواد، تندرستی، شاخص‌های تغذیه، تأمین مسکن، ایجاد اشتغال و درآمد افزایش یابد اما توزیع آن بین زن و مرد متعادل نباشد، آن جامعه توسعه نیافته است. از این‌رو اندیشمندان، متوجه شدند که زنان نقش به‌سزایی در فرایند توسعه پایدار دارند.

مقدمه

توجه به نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی، ناشی از دو واقعیت مهم عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در این کشورها بود. در نتیجه، با وجود طرح رهیافت‌های مختلف برابری زنان و مردان، توجه جدی به نظریه‌های رفاهی مساوات و فقرزدایی، کارآیی و توانمندسازی زنان معطوف شد. دستیابی به شاخص‌هایی مانند ترویج برابری جنسیتی، توانمندسازی جنسیتی و توسعه جنسیتی، در چارچوب تحلیل جنسیتی به حرکتی همه‌جانبه نیازمند است که شامل اصلاحات فرهنگی، اجتماعی، ساختار حقوقی و تغییر تدریجی باورها و ارزش‌ها و نیز نیازمند برنامه‌ریزی از پایین به بالا است. به همین دلیل، امروزه دنیا با این واقعیت مواجه شده که زنان دیگر نباید به‌عنوان عوامل نامرئی در فرایند توسعه به حساب آیند. نقش‌آفرینی و توانمندی‌های زنان در میزان موفقیت دولت‌ها در زمینه کنترل رشد جمعیت، بیکاری و پراکندگی درآمد فردی و حفظ محیط زیست، سیاستگذاران کلان دولتی را بر آن می‌دارد تا زنان را از حصار نامرئی بودن درآورند. زنان، علاوه بر وظایف شخصی و خانوادگی قادرند در حرکت‌های اجتماعی نقش‌های مهمی ایفا کنند که یکی از جنبه‌های مهم آن، مشارکت در برنامه‌های توسعه پایدار است.

نگاهی به شاخص‌های جهانی توسعه

عدم برابری و گسترش فقر در سطح جهان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته، سبب شد تا برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)^۱ از سال ۱۹۹۰ شاخصی تحت عنوان «شاخص توسعه انسانی»^۲ (HDI) را برای اندازه‌گیری پیشرفت و توسعه ملی کشورها معرفی کند. این شاخص براساس سه مؤلفه زیر محاسبه می‌شود:

1. United Nations Development Program
2. Human Development Index

ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در... ۱۷۱

۱. طول عمر براساس امید به زندگی از بدو تولد، ۲. دانش اندازه‌گیری شده براساس میانگین وزنی باسوادی بزرگسالان و به‌ویژه میانگین سال‌های تحصیل، ۳. درآمد واقعی سرانه تعدیل شده براساس برابری قدرت خرید و با فرض کاهش مطلوبیت نهایی درآمد. با استفاده از تکنیک‌های آماری و ترکیب سه مؤلفه مذکور، شاخص توسعه انسانی محاسبه می‌شود و براساس آن، کشورها به سه گروه توسعه انسانی پایین $0/5 - 0$ ، توسعه انسانی متوسط $0/51 - 0/79$ و توسعه انسانی بالا $0/8 - 1$ تقسیم‌بندی می‌شوند. ایران در گروه دوم و جزو کشورهای توسعه انسانی متوسط است. در این شاخص، میزان توسعه برای مردم و توسط مردم نشان داده شده است.

البته شاخص مذکور، میزان رفاه، رضایت و خوشبختی ساکنان یک کشور را اندازه‌گیری نمی‌کند و نمایه‌گری از پیشرفت یک کشور در جهت زندگی طولانی‌تر و بهداشت مناسب است و فرصت‌های موجود در بین شهروندان آن کشور را مشخص می‌سازد. برنامه‌های توسعه، در پی انتخاب شاخص‌هایی بودند که به‌وسیله آنها بتوان توانمندی، برابری و مشارکت گروه‌های مختلف افراد جامعه را در توسعه انسانی هر کشور مشخص ساخت و آنان را با گروه‌های مشابه در کشورهای دیگر مقایسه کرد. بر این اساس، در سال ۱۹۹۵، گزارش توسعه انسانی، دو شاخص جدید را مطرح کرد که برای تعیین جایگاه زن در هر کشور مناسب باشد. این دو شاخص عبارت است از: شاخص توسعه جنسیتی (GDI)^۱ و شاخص توانمندسازی جنسیتی (GEM)^۲.

شاخص توسعه جنسیتی

شاخص توسعه جنسیتی از معرف‌هایی همانند شاخص توسعه انسانی استفاده می‌کند، اما این معرف‌ها برای نشان دادن نابرابری‌های موجود بین زنان و مردان در درون یک کشور

1. Gender-related Development Index

2. Gender Empowerment Measure

مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، شاخص توسعه جنسیتی، همان شاخص توسعه انسانی است که برای اندازه‌گیری نابرابری جنسیتی تنظیم شده است. (برنامه توسعه سازمان ملل، ۱۹۹۵: ۷۳)

مقایسه دو شاخص توسعه انسانی و توسعه جنسیتی، بیانگر رتبه پایین‌تر توسعه جنسیتی است. این بدان معنا است که عوامل رشد توسعه انسانی، به گونه‌ای نابرابر بین مردان و زنان توزیع شده است، توزیعی که برای مردان مطلوب‌تر از زنان بوده است.

شاخص توانمندسازی جنسیتی

شاخص توانمندسازی جنسیتی، رشد زنان یک کشور را از نظر سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای، مدنظر دارد. به صورت روشن‌تر، شاخص توانمندسازی جنسیتی بر این مسئله تأکید دارد که زنان قادر به شرکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی هستند و اینکه می‌توانند از فرصت‌های کشور بهره‌مند شوند.

موقعیت یک کشور در زمینه توانمندسازی جنسیتی، با استفاده از سه معرف مشخص می‌شود:

الف - تعداد زنان در بین نمایندگان مجلس،

ب - میزان شرکت زنان در مشاغل قانونگذاری، مدیریتی، حرفه‌ای و تکنیکی،

ج - قدرت مالی زنان که بیانگر میزان دستیابی آنان به مشاغل و دستمزدها است.

این معرف‌ها، روی هم، اطلاعاتی را ارائه می‌دهد که قدرت استفاده زنان از ظرفیت‌های یک کشور را مشخص می‌کند. به طور کلی، امتیاز کشورها در زمینه شاخص توانمندسازی جنسیتی در مقایسه با شاخص توسعه انسانی، دچار تنزل معناداری است که بیانگر به کارگیری کمتر ظرفیت‌ها و توانایی‌های زنان در بین کشورها است.

ارزش شاخص توسعه جنسیتی، مشخص می‌کند که یک کشور تا چه حد باید سعی کند تا به برابری جنسیتی در سه زمینه مذکور دست یابد، و ارزش شاخص توانمندسازی

ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در... ۱۷۳

جنسیتی مشخص می‌کند که هر کشور در زمینه توانمندسازی زنان تا چه حد باید تلاش کند تا زنان آن کشور بتوانند در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی جامعه مشارکت فعال داشته باشند.

براساس آمار سازمان ملل، «در هیچ کشوری با زنان همانند مردان برخورد نمی‌شود» (برنامه توسعه سازمان ملل ۱۹۹۵: ۷۵، ۱۹۹۷: ۳۹). حتی در کشورهایی که رتبه‌های بالاتر دارند، شاخص توسعه جنسیتی، پایین‌تر از شاخص توسعه انسانی است و شاخص توانمندسازی زنان کمتر از هر دو شاخص قبلی است.

مقایسه اطلاعات موجود نشان می‌دهد که دارا بودن رتبه بالا در شاخص توسعه انسانی و توسعه جنسیتی، به معنای بالا بودن سطح توانمندسازی زنان نیست. و می‌توان اذعان کرد: «برابری جنسی در یک جامعه، به سطح بالای درآمد در آن جامعه بستگی ندارد» (برنامه توسعه سازمان ملل ۱۹۹۵: ۷۵). عوامل دیگری همچون تعهد جامعه برای دستیابی به برابری جنسیتی مورد نیاز است. گویاترین معرف در زمینه برابری یا نابرابری جنسیتی، رتبه‌بندی و ارزش مقیاس توانمندسازی جنسیتی است. در بعضی از کشورها، اختلاف بین شاخص‌های توسعه انسانی و توسعه جنسیتی با شاخص توانمندسازی جنسیتی بسیار زیاد است، برای نمونه می‌توان از ژاپن، ترکیه و مصر نام برد.

البته امتیاز شاخص توانمندسازی جنسیتی برای تمامی کشورها پایین‌تر از شاخص توسعه انسانی یا توسعه جنسیتی است. این مسئله نشان می‌دهد که اقدامات بسیاری در زمینه توانمندسازی زنان باید انجام شود.

باتوجه به گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، وضعیت ایران از نظر شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) و توسعه مبتنی بر جنسیت (GDI) و معیار توانمندی‌های جنسیتی (GEM) از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۷ به شرح زیر است:

وضعیت ایران از نظر شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) و توسعه مبتنی بر جنسیت (GDI) و معیار توانمندی‌های جنسیتی (GEM) از سال ۲۰۰۲ تا سال

۲۰۰۷

سال	HDI	GDI	GEM
۲۰۰۲	۹۸	۸۳	---
۲۰۰۳	۱۰۶	۸۶	---
۲۰۰۴	۱۰۱	۸۲	۷۲
۲۰۰۵	۹۹	۷۸	۷۵
۲۰۰۶	۹۶	۷۴	۷۱
۲۰۰۷	۹۴	۸۴	۸۷

مأخذ: Human Development Research, 2000-2007

داده‌های جدول نشان می‌دهد که کشور ایران به‌لحاظ شاخص توسعه انسانی (HDI) در سال ۲۰۰۷ وضعیتی بهتر از سال‌های قبل داشته است، اما به‌لحاظ شاخص توسعه مبتنی بر جنسیت (GDI) و معیار توانمندی‌های جنسیتی (GEM)، در مقایسه با سال ۲۰۰۶ در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارد؛ زیرا هرچه GDI کوچک‌تر از HDI باشد، بر شکاف و فاصله جنسیتی در آن کشور دلالت دارد.

برنامه توسعه سازمان ملل، استراتژی‌هایی برای سرعت‌بخشیدن به پیشرفت در راستای برابری جنسیتی معرفی کرده است. بر این اساس، «باید دست کم ۳۰ درصد از موفقیت‌های تصمیم‌گیری در سطح ملی برای زنان در نظر گرفته شود» (برنامه توسعه سازمان ملل، ۱۹۹۵: ۹). این مسئله که ابتدا در سال ۱۹۹۰ توصیه شده بود، حضور در مجلس و در صورت امکان، حضور در کابینه و همکاری در نهادهای دولتی و اقتصادی در سطح مدیریت را دربر می‌گیرد. به دلیل محدودیتی که در زمینه اطلاعات در دسترس سازمان ملل وجود دارد، میزان دسترسی به قدرت سیاسی، تنها از طریق تعداد زنان در پست‌های دولتی در سطح ملی اندازه‌گیری

۱۷۵ ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در...

می‌شود. اشتغال در سطح حرفه‌ای و تکنیکی نیز حایز اهمیت است، اما اینها مشاغلی نیستند که در آنها بتوان درمورد زندگی زنان تصمیم‌گیری کرد. البته، باید توجه داشت که زنانی هم که وارد مجلس می‌شوند و یا در سطوح مدیریتی، در دولت، در اقتصاد یا صنعت فعالیت دارند، لزوماً از قدرتشان در جهتی که به تمامی زنان سود برساند استفاده نمی‌کنند. درمقابل، زنانی هم خارج از قدرت رسمی هستند که ممکن است تأثیری چشمگیر در زندگی مردان و زنان داشته باشند. سهمیه ۳۰ درصدی که توسط سازمان ملل مشخص شده است، نباید به‌عنوان نقطه پایانی برای برابری جنسیتی در نظر گرفته شود، بلکه حداقلی است که در این زمینه مطرح است. «برای نماینده مجلس بودن، به هیچ نوع آموزش جنسیتی نیاز نیست. قدرت سخنرانی عمومی، توانایی بیان عقاید رأی‌دهندگان، و هنر کسب اعتماد عمومی، هیچ‌کدام ویژگی‌های مردانه نیستند»، «اما سیاست، همچنان به‌عنوان مانعی برای زنان باقی مانده است». (همان، ص ۸۳)

در بین ۱۹۴ کشوری که در این زمینه اطلاعات مورد نیاز سازمان ملل را در اختیار آن سازمان قرار داده‌اند، فقط ۱۵ کشور ۳۰ درصد توصیه‌شده را کسب کرده‌اند و ایران در موقعیتی بسیار پایین قرار دارد، چراکه زنان فقط حدود ۴ درصد از نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دهند.

میزان مشارکت در بازار کار، تنها جزئی از ساخت جنسیتی یک جامعه را مشخص می‌کند. توزیع زنان و مردان در درون بازار کار، تأثیری بیشتر بر جریان‌های جنسیتی و شانس‌های زندگی دارد. «تقریباً ۵۰ درصد از زنان شاغل دنیا در بخش خدمات مشغول کار هستند». (همان، ص ۶۲)

نمود اطلاعات و آمار دقیق و کافی در زمینه‌های مذکور درمورد ایران، مقایسه با آمارهای بین‌المللی را ناممکن می‌سازد؛ اما شواهد و اطلاعات داخلی نشان‌دهنده آن است که کشور ما در زمینه توانمندسازی زنان موقعیت مطلوبی ندارد. اگر برابری جنسیتی هدف به‌شمار آید، کشور ما راهی طولانی در پیش دارد و برای دستیابی به هدف کارهای فراوانی باید انجام شود.

اهداف توسعه هزاره^۱

رهبران جهان در اجلاس هزاره در سازمان ملل متحد، در سپتامبر ۲۰۰۰، برای نخستین بار در مورد مجموعه‌ای از هدف‌های قابل دستیابی در زمانی محدود و مشخص در سراسر جهان به منظور مبارزه با گسترش فقر، ارتقای بهداشت، عدالت اجتماعی و جلوگیری از تخریب روزافزون منابع طبیعی به توافق یکپارچه رسیدند. این هدف‌ها که در مرکز برنامه کار جهانی قرار گرفته شده‌اند، «اهداف توسعه هزاره» نامیده می‌شوند.

هدف‌های توسعه هزاره چارچوبی برای کل نظام ملل متحد فراهم می‌سازد تا به‌طور منسجم با یکدیگر در جهت هدفی مشترک فعالیت کنند. این اعلامیه که تمامی ۱۹۲ دولت عضو سازمان ملل متحد نسبت به آن متعهد شده‌اند، تأکید دارد که کشورهای جهان برای دستیابی به اهداف زیر تا سال ۲۰۱۵ دست به دست هم دهند و بیشتر تلاش کنند:

۱. ریشه‌کنی گرسنگی و فقر شدید، ۲. آموزش ابتدایی همگانی، ۳. برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، ۴. کاهش میزان مرگ‌ومیر کودکان، ۵. بهبود بهداشت مادران، ۶. مبارزه با ویروس و بیماری ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها، ۷. تضمین پایداری محیط زیست، ۸. ارتقا و توسعه مشارکت جهانی.

این اهداف آزمونی برای اراده سیاسی کشورها به منظور ایجاد مشارکت‌های وسیع‌تر و عمیق‌تر است و ابزاری برای سرعت‌بخشیدن به آهنگ توسعه و اندازه‌گیری و سنجش نتایج آن در اختیار جهانیان می‌گذارد. بنابراین، تحقق این اهداف جهانی در دستیابی به صلح و امنیت، حقوق بشر و توسعه پایدار نقش به‌سزایی خواهد داشت.

تبیین اهداف توسعه هزاره

اهداف توسعه هزاره برای جلوگیری از گسترش فقر، ارتقای سطح زندگی انسان‌ها، اعم از مرد و زن و کودک در سطح جهان، مدیریت بهینه رشد و توسعه اقتصادی کشورها و

1. The Millennium Development Goals

۱۷۷ ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در...

همچنین حفاظت از منابع طبیعی و دستیابی به دموکراسی، تصویب شده‌اند. طی این اهداف، کشورها مکلف شدند تا فعالیت‌های خود را در زمینه حفظ ارزش‌ها و مبانی مشترک، صلح و امنیت، ریشه‌کنی فقر، حفاظت محیط زیست مشترک، حقوق بشر و حکومت‌مداری مطلوب و نیز محافظت از اقلشار آسیب‌پذیر متمرکز کنند.

این اهداف شامل ۸ هدف کلی^۱، ۱۸ هدف جزئی^۲ و ۴۸ شاخص^۳ است که در زیر به اختصار به اهداف کلان و جزئی آن اشاره می‌شود:

آرمان‌ها و اهداف جزئی توسعه هزاره

نام آرمان	هدف جزئی
آرمان ۱. ریشه‌کنی فقر مطلق و گرسنگی	۱. به نصف رساندن نسبت افراد دارای درآمد روزانه کمتر از یک دلار، بین سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۹۰ ۲. به نصف رساندن نسبت افرادی که از گرسنگی رنج می‌برند، بین سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۹۰
آرمان ۲. دستیابی به تحصیلات ابتدایی	۳. تضمین اینکه کودکان در هر جای جهان به‌طور یکسان تا سال ۲۰۱۵ دوره ابتدایی را طی کنند.
آرمان ۳. ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان	۴. حذف نابرابری جنسیتی در دوره‌های تحصیلی ابتدایی و راهنمایی ترجیحاً تا قبل از سال ۲۰۰۵ و در تمامی سطوح تا سال ۲۰۱۵
آرمان ۴. کاهش مرگ و میر کودکان	۵. کاهش میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ به میزان دو سوم
آرمان ۵. بهبود سلامت مادران	۶. کاهش نرخ مرگ و میر مادران تا دوسوم بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵
آرمان ۶. مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها	۷. توقف و آغاز معکوس کردن روند شیوع HIV/AIDS تا سال ۲۰۱۵ ۸. توقف و آغاز روند معکوس کردن شیوع مالاریا و سایر بیماری‌های عمده تا سال ۲۰۱۵

1. Goals
3. Indicators

2. Objectives

<p>۹. گنجاندن اصول توسعه پایدار در سیاست و برنامه‌های کشوری و معکوس کردن روند تخریف منابع زیست محیطی</p> <p>۱۰. به نصف رساندن نسبت مردم فاقد دسترسی پایدار به آب آشامیدنی سالم و بهداشت ابتدایی تا سال ۲۰۱۵</p> <p>۱۱. تحقق بهبود چشمگیر در زندگی حداقل یکصد میلیون نفر زاغه‌نشین تا سال ۲۰۲۰</p>	<p>آرمان ۷. تضمین پایداری محیط زیست</p>
<p>۱۲. توسعه بیشتر یک سیستم تجاری و مالی باز، قانونمند، قابل پیش‌بینی و بدون تبعیض</p> <p>۱۳. توجه به نیازهای خاص کشورهای کمتر توسعه‌یافته، شامل ترفه‌ها و دسترسی آزاد به صادرات، گسترش برنامه‌هایی از بدهی و صرف‌نظر کردن از بدهی‌ها دوجانبه رسمی و همکاری‌های توسعه‌ای (بیشتر با کشورهایی که به کاهش فقر متعهد هستند).</p> <p>۱۴. توجه به نیازهای خاص کشورهای محصور در خشکی و کشورهای کوچک جزیره‌ای در حال توسعه</p> <p>۱۵. توجه جامع به مشکلات بدهی کشورهای در حال توسعه از طریق اقدامات ملی و بین‌المللی به منظور پایدار کردن بدهی‌ها در بلندمدت</p> <p>۱۶. بهبود و اتخاذ استراتژی‌هایی به منظور ایجاد مشاغل مناسب و مولد برای جوانان با همکاری کشورهای در حال توسعه</p> <p>۱۷. تدارک امکانات دسترسی به مواد دارویی اساسی در کشورهای در حال توسعه با همکاری شرکت‌های دارویی</p> <p>۱۸. قابل دسترس کردن منافع حاصل از تکنولوژی‌های جدید، به‌ویژه تکنولوژی اطلاعات با همکاری بخش خصوصی</p>	<p>آرمان ۸. ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه</p>

مأخذ: گزارش اهداف توسعه هزاره، ۲۰۰۵.

همان‌طور که اشاره شد، اهداف توسعه هزاره، میثاقی است که تمامی کشورها و نهادهای توسعه‌ای جهان درباره آن به توافق رسیده‌اند، همچنین مجموعه‌ای از اهداف ساده و شفاف هستند که تمامی افراد بشر از توسعه‌یافته‌ترین تا عقب‌مانده‌ترین این کشورها، می‌توانند آنها را درک کنند و برای تحقق آنها تلاش کنند. اما متأسفانه، به‌رغم پذیرش موضوع برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، هنوز هم در سطوح تصمیم‌گیری، فاصله چشمگیری بین زنان و مردان در مشاغل مرتبط با تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی وجود دارد. این فاصله حتی در خود سازمان ملل متحد نیز مشهود است. دبیر کل سازمان ملل قوانینی را برای استخدام،

ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در... ۱۷۹

ارتقا، جایگزینی و تعیین شرایط کاری برای زنان در سازمان ملل متحد وضع کرده است و بنا بود تا سال ۲۰۰۳، زنان مدیر و متخصص به‌طور برابر دارای پست‌های رده بالای تصمیم‌گیری باشند که متأسفانه تا سال ۲۰۰۵ این هدف محقق نشد و هنوز نیز محقق نشده است.

مروری بر وضعیت زنان در جهان

افزایش مشارکت سیاسی زنان در جهان نیز به آهستگی انجام می‌شود. در ژانویه سال ۲۰۰۷، زنان ۱۷ درصد از کرسی‌های پارلمان در سطح جهان را در مقایسه با ۱۳ درصد در سال ۱۹۹۰ اشغال کردند. اگرچه هدف دستیابی به ۳۰ درصد از کرسی‌های پارلمان توسط زنان بوده است، رواندا با ۴۹ درصد از کرسی‌های اشغال‌شده پارلمان توسط زنان، پیشرو بوده و سوئد با ۴۷ درصد و کاستاریکا با ۳۹ درصد، هرکدام نسبتی نزدیک به برابری میان زنان و مردان را به نمایش گذارده‌اند.

کشورهای عربی، شاهد پیشرفت‌های حایز اهمیتی بوده‌اند. در سال ۲۰۰۶، برای نخستین بار، زنان همگام با مردان در انتخابات کویت شرکت کردند و ۲ کرسی پارلمان به زنان اختصاص یافت. در امارات عربی متحده نیز زنان ۲۳ درصد از کرسی‌ها را به خود اختصاص دادند و در بحرین برای نخستین بار در تاریخ آن کشور، یک زن به عضویت پارلمان درآمد.

عوامل متعددی در موفقیت زنان در نمایندگی سیاسی آنها مؤثرند که از آن جمله اراده سیاسی، توانمندی جنبش‌های ملی زنان و تأکید پایدار جامعه بین‌المللی بر تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان است. در سال ۲۰۰۶، برخی از کشورها با اختصاص سهمیه، تعداد زنان منتخب خود را تقریباً دو برابر کردند و بعضی از کشورهای دیگر، از طریق سرمایه‌گذاری و آموزش، از انتخابات زنان حمایت به عمل آوردند. (گزارش اهداف توسعه هزاره، ۲۰۰۷)

رویارویی با مفهوم برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان

دستیابی به برابری جنسیتی، مستلزم ایجاد جامعه‌ای است که در آن زنان و مردان، فرصت‌های برابر، حقوق برابر، دستمزد برابر و قوانین برابر در همه عرصه‌های زندگی داشته باشند. برابری جنسیتی زمانی تحقق می‌یابد که زن و مرد امکان دسترسی برابر به منابع قدرت و اعتبار را داشته باشند؛ زن و مرد دارای فرصت‌های برابر در دستیابی به استقلال مالی از طریق کار یا راه‌اندازی اشتغال خاص باشند؛ زن و مرد امکان دسترسی برابر به آموزش و توسعه توانمندی‌های شخصی خود را داشته باشند. یکی از زمینه‌های بسیار مؤثر در ارتقای سطح برابری جنسیتی، تقویت و توانمندسازی زنان از طریق تعیین و شناسایی عدم توازن در قدرت و نیز دادن امکان لازم به زنان در راستای مدیریت زندگی خودشان است. توانمندسازی زنان لازمه دستیابی به توسعه پایدار و گسترش حقوق بشر است.

هنگامی که زنان در جایگاه و موقعیت پایین‌تری در خانواده قرار می‌گیرند، شمار افراد خانواده افزایش می‌یابد و خانواده در انجام وظایف خود با دشواری‌های متعددی روبه‌رو می‌شود. برنامه‌های بهداشت باروری و تنظیم خانواده معمولاً زمانی که با ایجاد فرصت‌های آموزشی در راستای ارتقای جایگاه زنان و توانمندسازی آنان همراه است اثربخشی بیشتری نیز دارد. زمانی که زنان توانمندی کافی داشته باشند، کل خانواده از این توانمندی بهره می‌برد و این امر بازدهی بهتر نسل‌های آتی را نیز به دنبال دارد.

نقش‌ها و وظایفی که زنان و مردان در جامعه ایفا می‌کنند، به‌واسطه بیولوژی زنانه و مردانه نیستند، بلکه در اجتماع شکل گرفته‌اند و قابل تغییر هستند. اگرچه این وظایف و نقش‌ها معمولاً توسط فرهنگ‌ها یا دین و باورهای افراد تأیید و توجیه می‌شوند، در مکان‌های مختلف کاملاً با هم تفاوت دارند و در طی زمان تغییر می‌کنند. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد بر آن است که با کاربرد رهیافت‌های فرهنگی می‌توان ضمن ارائه اشکال متفاوتی از سازمان‌های اجتماعی به تغییر وضعیت حقوق زنان و بهبود آن در سطح جهان مبادرت کرد. توجه به مسائل زنان نیازمند تشخیص این امر است که زنان نیز در نوع نقش‌ها و وظایفی که

۱۸۱ ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در ...

عهده‌دار می‌شوند، مانند دیگر شاخصه‌ها، نظیر سن، پایگاه اجتماعی، تحصیلات و شهری یا روستایی بودن، یک گروه ناهمگون هستند. اگرچه ممکن است زنان علایق مشترک فراوانی داشته باشند، بافت زندگی و دامنه انتخاب‌هایشان گاه بسیار متفاوت از هم است. و مهم‌تر اینکه، اگرچه قانون اساسی کشور حق مشارکت سیاسی را برای زنان به رسمیت شناخته است، هر زمانی که آنها تصمیم می‌گیرند براساس همین حق، پا را از عرصه فعالیت خانگی بیرون گذارند و در عرصه سیاست و جامعه حضور یابند، موانع اجتماعی فعال می‌شود و آنان را وارد رقابتی نابرابر با مردان می‌کند. درحالی‌که جامعه نیز از آنها انتظاری فراتر از مردان دارد و این، مسئولیت آنها را حساس‌تر می‌کند. این در حالی است که جامعه زنان نیز تحقق مطالباتشان را در گرو تلاش آنان می‌بینند.^۱

ارتقای سطح برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان

زنان علی‌رغم توافق‌نامه‌های متعدد بین‌المللی پیرامون توجه به حقوق زنان به‌عنوان بخشی کلیدی در حقوق بشر، همچنان بیش از مردان در معرض فقر، سوءتغذیه، و بی‌سوادی قرار می‌گیرند. در اکثر مناطق دنیا، زنان معمولاً کمتر از مردان به مراقبت‌های پزشکی، اعتبارات بانکی، مالکیت خصوصی، آموزش و اشتغال دسترسی دارند. فعالیت سیاسی در بین زنان بسیار کمتر از مردان دیده می‌شود و این در حالی است که زنان بسیار بیشتر از مردان قربانی خشونت‌های خانگی هستند.

توانایی زنان در کنترل باروری خویش کاملاً به میزان توانمندی آنان و حصول برابری جنسیتی در جامعه بستگی دارد. در جوامعی که زنان مسئولیت برنامه‌ریزی در خانواده را برعهده دارند، زندگی آبی آنان نیز بهتر تأمین می‌شود. زمانی که زنان سلامت کافی داشته باشند، قدرت تولیدی بیشتری نیز خواهند داشت. تقویت و تضمین حق باروری، شامل حق تنظیم خانواده به‌لحاظ تعداد دفعات باروری و نیز زمان و مکان باروری عملاً موجب می‌شود

1. [www.sedayemardom.net]

تا زنان با آزادی بیشتری به مشارکت کامل و برابر در تمامی سطوح جامعه دست بزنند.^۱

رشد اقتصادی در سایه مدیریت زنان

سیاست‌های اقتصادی غالباً از طریق اندازه‌گیری شاخص‌هایی از قبیل تولید ناخالص ملی، رشد و بهره‌وری اقتصادی را ارزیابی می‌کنند. افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی، مفاهیمی تجربیدی هستند، و چیزی درباره رفاه انسانی، حمایت از حقوق بشر و یا اطمینان از توانمندی و برابری جنسیتی عنوان نمی‌کنند. بنابراین، چگونگی ساخته‌شدن سیاست‌های صحیح اقتصادی را باید از خرد جمعی بخواهیم. تعاریف محدود و جزئی درباره بهره‌وری، شرح دقیقی درباره چگونگی توزیع منابع و ارزش واقعی تولید به ما ارائه نمی‌دهند.

با بیان اهداف سیاست‌ها و شاخص‌های موفقیت در قالب ارتقای برابری، بهبود زندگی حاشیه‌نشینان، تحقق حقوق بشر و دستیابی به توسعه انسانی پایدار، زنان و فقرا بیشتر در اجرای سیاست‌ها لحاظ می‌شوند. شاخص‌های پیشرفت باید ملموس، انضمامی و معنی‌دار باشند. هدف نهایی نباید صرفاً به کارگیری زنان در فعالیت‌های درآمدزا باشد، بلکه درمقابل، ما باید به امنیت زنان در انواع فعالیت‌ها، منافی که آنها به دست می‌آورند، شرایط کار آنها، و پاداش‌ها و مصونیت‌هایی که آنها چه از کارهای تولیدی درآمدزا و چه از کارهای بدون مزد دریافت می‌کنند، توجه کنیم.

در جوامع امروزی، توسعه پایدار بر توانمندسازی زنان تکیه دارد؛ به طوری که اندیشمندان اجتماعی همواره بر رفع موانع جنسیتی به عنوان لزوم تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی تأکید کرده‌اند.

دیدگاه‌های مطرح‌شده درخصوص زنان بر این باور شکل گرفته است که وضعیت زنان در موقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در بسیاری از کشورها یکسان نیست و برای حصول برابری در حوزه‌های مذکور نیاز به تغییر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جوامع است.

1. [www.sedayemardom.net]

ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در... ۱۸۳

از دیدگاه جامعه‌شناسی، توسعه اقتصادی هر جامعه‌ای بدون توجه به نقش مؤثر زنان در تولید و بازپروری امکانات امری دشوار است، زیرا زنان با ایفای نقش مدیریت مالی خانه، تأثیر بسیاری بر اقتصاد خانواده و در ابعاد وسیع‌تر، در اقتصاد جامعه دارند.

بر این اساس، تفکر مردسالاری و حذف نیمی از جمعیت فعال و سازنده جامعه به تدریج کمرنگ می‌شود و از سه دهه پیش، ضرورت حضور و مشارکت زنان احساس شده است، به این معنی که نوع نگرش به نیمی از جمعیت در جوامع تغییر کرده است. در بسیاری از جوامع، زنان پایه‌پای مردان وارد عرصه‌های اجتماعی شدند و با پیشرفت علم و شناسایی استعداد و توانایی زنان، زن به‌عنوان یک عنصر تأثیرگذار در جوامع مختلف مطرح شد. هرچند هنوز در مقایسه با مردان درصد حضور زنان در عرصه‌های اقتصاد، سیاست و اجتماع در اقلیت است، به‌نظر می‌رسد در هزاره سوم، نقش زنان پررنگ‌تر شده است و حضورشان در اجتماع رو به رشد است؛ به‌طوری‌که در بسیاری از جوامع، زنان در پست‌های کلان کشور عهده‌دار وظیفه هستند. در آلمان، شیلی، فیلیپین و بنگلادش شاهد هستیم که زنان رهبری و هدایت کشورشان را برعهده دارند.^۱

نقش زنان و مدیریت آنها در توسعه پایدار

تاریخ جهان شاهد نقش بسیار عظیم و غیرقابل انکار زنان در حوادث گوناگون است. امروزه که مباحث توسعه در جهان مطرح است، نقش زنان در این فرایند به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. برگزاری جلسات، سمینارها و کنگره‌های متعدد درخصوص جایگاه زنان و نقش آنان در توسعه، حکایت از این موضوع حیاتی دارد. با کمی دقت می‌توان دریافت که برگزاری این‌گونه برنامه‌ها نشان از موضوع نه‌چندان خوشایند دیگری نیز دارد و آن این است که تاکنون یا حداقل در سده‌های اخیر، نقش زنان در فرایند توسعه نادیده گرفته شده که این امر نشان‌دهنده وجود تبعیضات و نابرابری‌های جنسیتی در زمینه‌های گوناگون

1. [www.articles.ir]

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. جامعه انسانی از حضور نداشتن واقعی زنان در عرصه‌های مختلف لطامات جبران‌ناپذیری دیده و به این دلیل، در دو دهه اخیر، درصدد جبران این نقیصه برآمده است. برای رسیدن به تعادل، برابری و رفع تبعیضات و در نتیجه، توسعه بهتر و کامل‌تر جامعه، نیاز به آن است که زنان بتوانند در فرایند تصمیم‌گیری در سطوح مختلف جامعه شرکت کنند. خوشبختانه در بسیاری از کشورها، این تلاش‌ها، موفقیت‌های چشمگیری را در پی داشته است. از آن جمله می‌توان به کشورهایی مانند نروژ، دانمارک و فنلاند اشاره کرد که بیش از ۴۰ درصد مناصب تصمیم‌گیری در اختیار زنان است.

متأسفانه در بسیاری از کشورهای جهان سوم این مسئله چندان شایان توجه نیست و فقط تعداد محدودی از زنان در پست‌های مدیریتی و مهم تصمیم‌گیری کشور قرار دارند. ممکن است این پرسش پیش آید که به‌راستی چه ضرورتی در خصوص مدیریت زنان در بخش‌های گوناگون جامعه وجود دارد؟

در پاسخ به این پرسش باید اذعان کرد امروزه توانمندسازی زنان و مشارکت کامل آنان بر پایه برابری، در همه زمینه‌ها از جمله در فرایند تصمیم‌گیری و مدیریت جامعه یکی از پیش‌نیازهای توسعه پایدار است. در جوامعی که هنوز تعادل مطلوب و قابل قبول و مشارکت عادلانه زن و مرد در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراهم نشده و فرصت منصفانه بروز خلاقیت و استعداد انسان‌ها برقرار نشده است، فرایند توسعه آنچنان‌که باید موفق نبوده است. تداوم و شتاب در توسعه هنگامی رخ خواهد داد که زن و مرد، دوشادوش یکدیگر مسئولیت توسعه را برعهده گیرند.

از سوی دیگر، کسب مشاغل مدیریتی از سوی زنان، علاوه بر آنکه زنان را در مقابله با تبعیضاتی مانند معیارهای استخدامی نابرابر، دستمزدهای نابرابر، فرصت‌های آموزش حرفه‌ای نابرابر، دسترسی نابرابر به منابع تولیدی و امکانات نابرابر در ارتقای شغلی تواناتر می‌کند، سبب افزایش اعتماد به نفس، کسب یک هویت مستقل و بهبود وضعیت و رشد اجتماعی آنان می‌شود که کل جامعه از آن منتفع خواهد شد.

ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در... ۱۸۵

علاوه بر این، رشد دختران و زنان تحصیلکرده دانشگاهی و پیشی گرفتن آنان از مردان جامعه در چند سال اخیر، لزوم بحث مدیریت زنان را بیش از پیش مطرح می‌کند.^۱

نقش دولت در فرایند مشارکت زنان در توسعه پایدار

۱. آگاهی: پیش‌نیاز مشارکت زنان، ارائه آگاهی به آنان است. در این مرحله باید علت و ضرورت همکاری و نقش زنان به آنها آموزش داده شود. تجربه نشان داده است، زنان، زمانی آماده صرف هزینه برای حل یک مسئله هستند که ابتدا مسئله را بشناسند تا انگیزه لازم را پیدا کنند. بنابراین، مقدمه مشارکت، آگاهی‌دادن از طریق ترویج و گسترش فرهنگ توسعه پایدار از طریق آموزش است.

۲. سازماندهی: دومین مرحله مشارکت، سازماندهی زنان در قالب تشکلهای رسمی و محلی است. در این مرحله، زنان در گروه‌ها، انجمن‌ها و تشکلهای مختلف گرد می‌آیند. این تشکلهای باعث می‌شوند بهره‌برداران نظم یابند تا امکان ارائه خدمات به آنان فراهم شود؛ همچنین زنان قادر شوند مسائل و مشکلات موجود را به آسانی به مقامات ارائه دهند، ضمناً حمایت‌های لازم را با سرعت و دقت بیشتر دریافت کنند.

۳. پشتیبانی و حمایت: سومین اقدام برای مشارکت‌دادن زنان، در حفاظت از منابع طبیعی، در راستای اهداف توسعه پایدار، پشتیبانی و حمایت‌های حقوقی، اداری، اعتباری و برنامه‌ای است. در این مرحله است که تشکلهای قدرتمند کافی برای حضور همه‌جانبه خواهند داشت و به خوبی می‌توانند ایفاگر نقش واگذار شده باشند.^۲

مسائل کلیدی در راستای توانمندسازی زنان

محاسبه کار بدون مزد زنان و توانمندسازی اقتصادی

تقریباً در همه کشورهای، علی‌رغم آنکه زنان ساعات کار طولانی‌تری نسبت به مردان

1. [www.edujavanrood.blogspot.com]

2. [www.hawzah.net]

دارند، دستمزدهای کمتری نسبت به مردان دریافت می‌کنند و بیش از مردان در معرض فقر قرار می‌گیرند. زنان هر روز ساعات طولانی را به انجام وظایف خانه، مراقبت از کودکان، آشپزی، حمل آب و جمع‌آوری سوخت اختصاص می‌دهند. همچنین در برخی از کشورها مسئولیت انجام کارهای کشاورزی و بازار نیز با زنان است.

کار خانگی بدون مزد، از آماده‌سازی غذا گرفته تا کارهای مراقبتی، مستقیماً بر سلامت و چگونگی زندگی کودکان و سایر اعضای خانواده اثر می‌گذارد. نیاز به کار رایگان زنان، اغلب با ایجاد شک‌های اقتصادی، نظیر شک‌های مرتبط با بازسازی اقتصادی و یا شیوع ویروس اچ‌آی‌وی یا بیماری ایدز افزایش می‌یابد. این در حالی است که هنوز صدای زنان به‌عنوان کارگران مزدبگیر و یا بدون مزد، شهروند و یا مصرف‌کننده در مباحثات مالی و توسعه‌ای شنیده نمی‌شود و تجاربشان به فراموشی سپرده می‌شود. بخش اعظم کار فاقد دستمزد، کار در ساعات طولانی، و کار در شرایط بحران، توسط زنان فقیر و صرفاً با هدف حمایت از خانواده انجام می‌گیرد.

در چنین شرایطی مبحث محاسبه کار بدون مزد زنان، گشوده می‌شود. از آنجا که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در بیشتر سیاست‌های اقتصادی، قصور آنها در محاسبه کار بدون مزد زنان است، کار بدون مزد بسیاری از زنان، همان‌طور که اشاره شد، بخش بزرگی از همکاری زنان در اقتصاد قلمداد می‌شود. به‌علاوه، کار خانگی بدون مزد، کار داوطلبانه و کار جمعی زنان یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های اقتصادی هر ملتی است. اگر زنان در کارهای بدون مزد همکاری نکنند، اقتصاد پولی نمی‌تواند به کارکرد خود ادامه دهد.

استحکام و دوام نیروی کار مزدوری، همبستگی مستقیمی با تیمارداری بدون مزد دارد؛ بار سنگینی که زنان آن را حمل می‌کنند. علاوه بر این، سیاست‌های اقتصادی که در آنها کار بدون مزد محاسبه نمی‌شود، با این تصور که توانایی شرکت در کار بدون مزد نامحدود است، ضربه زیان‌آوری بر زنان تحمیل می‌کنند. هرچه کار بدون مزد بیشتر و مراقبت کمتر باشد، برابری در زندگی بیشتر به‌خطر می‌افتد. بنابراین، زمانی که در سیاست‌های اقتصادی،

۱۸۷ ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در...

کار بدون مزد در محاسبات در نظر گرفته شود، مردم از برنامه‌های بهتری برای امنیت غذایی، مراقبت از کودکان، تحصیلات، آب و فاضلاب و تمامی عناصر ضروری دیگری که بهبود زندگی خانوار را تضمین می‌کنند، برخوردار می‌شوند.^۱

شکاف‌های جنسیتی بین نسلی

تفاوت در الگوهای کار زنان و مردان و نیز حجم کار پنهان که در آمارهای کشوری منظور نمی‌شود، به ارزیابی نادرست و کم‌دیدن کار زنان نسبت به کار مردان منجر شده است. دسترسی کمتر زنان به منابع به‌همراه بی‌توجهی به جنسیت در سیاست‌های کلان اقتصادی سبب افزایش نابرابری و در نتیجه، تداوم‌بخشیدن به شکاف‌های جنسیتی می‌شود. برای مثال، زمانی که دختران به سن بلوغ می‌رسند انتظار می‌رود که بیشتر وقتشان را به فعالیت‌های خانه‌داری اختصاص دهند، در حالی که از پسران انتظار می‌رود در مزرعه کار کنند و یا به جست‌وجوی کار مزدی برآیند. زمانی که دختران و پسران به زنان و مردان جوان مبدل می‌شوند، زن‌ها معمولاً بیشتر از مردان و در ساعات طولانی‌تری نسبت به آنان کار می‌کنند، در عین حال، تجربه کمتری به‌عنوان نیروی کار همیشگی دارند و درآمد کمتری نیز کسب می‌کنند. همچنین زنان نسبت به مردان زمان کمتری به‌عنوان اوقات فراغت دارند و وقت کمتری را به تفریح و استراحت اختصاص می‌دهند. همین مسئله، میزان سرمایه‌گذاری بر نسل‌های بعدی را مشخص می‌سازد. زمانی که والدین درمی‌یابند امکان پیدا کردن کار و یا کسب درآمد در بازار برای دختران کمتر از پسران است، کمتر به سرمایه‌گذاری در خصوص آموزش دختران به‌عنوان راه برون‌رفت از فقر راغب می‌شوند.^۲

توانمندسازی زنان از طریق آموزش

آموزش، یکی از راه‌های اصلی توانمندسازی زنان است و از طریق فراگیری دانش،

1. [www.sedayemardom.net]

2. [www.sedayemardom.net]

مهارت‌آموزی و افزایش اعتماد به نفس در راستای مشارکت کامل در روندهای توسعه قرار می‌گیرد.

آموزش برای همه و به‌ویژه برای دختران و زنان بسیار حیاتی است. اهمیت آموزش برای زنان صرفاً در ایجاد فرصت‌های بیشتر خلاصه نمی‌شود. درحقیقت، آموزش زنان اثرات فراوانی در افزایش میزان بازدهی خانواده دارد. سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش دختران یکی از مؤثرترین راه‌های کاهش فقر است. سرمایه‌گذاری به‌ویژه در آموزش دبیرستانی برای دختران مزیت‌های بسیاری را همراه خواهد داشت. دختران تحصیل‌کرده معمولاً دیرتر ازدواج می‌کنند و خانواده‌های کوچک‌تر و سالم‌تری دارند. زنان تحصیل‌کرده اهمیت مراقبت‌های بهداشتی را بهتر تشخیص می‌دهند و می‌دانند که چگونه باید بهداشت خود و خانواده را تأمین کنند. آموزش به زنان و دختران کمک می‌کند تا حقوقشان را بهتر بشناسند و با اعتماد به نفس کافی حقوق خود را مطالبه کنند. نرخ باسوادی در بین زنان غالب کشورهای در حال توسعه به‌طور قابل توجهی کمتر از نرخ باسوادی در بین مردان است.^۱

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بهداشت باروری

زنان به دلایل جسمانی و اجتماعی بسیار آسیب‌پذیرتر از مردان نسبت به مشکلات بهداشت باروری هستند. مشکلات بهداشت باروری، نظیر مرگ و میر مادران نشان‌دهنده یکی از دلایل اصلی، اما اجتناب‌پذیر مرگ و میر و یا نقص زنان در کشورهای در حال توسعه است. عدم ارائه اطلاعات و خدمات در راستای تأمین بهداشت باروری و مراقبت از زنان به شکل‌دهی تبعیض‌های جنسیتی و زیر پا نهادن حقوق بهداشتی و درنهایت، حق زندگی زنان منجر می‌شود.^۲

1. [www.sedayemardom.net]

2. [www.sedayemardom.net]

توانمندسازی حقوقی

اصل برابری حقوق انسانی در سرتاسرجهان به واسطه نابرابری تاریخی میان زنان و مردان در میزان دسترسی به منابع قدرت و ثروت به طور جدی آسیب دیده است. در بسیاری از کشورها زنان به واسطه قوانین موجود و یا سنت‌های حاکم در جامعه از حق داشتن زمین و دارایی قابل ارث، دسترسی به اعتبارات بانکی، دسترسی به آموزش و انتخاب شغل و کسب درآمد، محروم هستند.

علاوه بر این، زنان به طور گسترده در اکثر سطوح تصمیم‌گیری در خانه و فضاهای عمومی حضوری کم‌رنگ دارند. باید به این بخش از نابرابری‌ها در قوانین و سیاست‌های عمومی در راستای یکی از اهداف برنامه‌های تحصیل برابری جنسیتی، توجه بیشتری معطوف شود. تغییرات قانونی انجام‌گرفته در بسیاری از کشورها در زمینه حقوق زنان گامی بسیار مهم در راستای دستیابی به برابری جنسیتی است؛ اما برای ایجاد تغییرات پایدار کافی نیست. توجه به شکاف میان مواد قانونی و آنچه در عمل در جامعه رخ می‌دهد و بی‌تفاوتی قانون نسبت به آن، نیازمند مبارزات یکپارچه و هماهنگ است.^۱

پاسدداشت از حقوق انسانی و احترام به برابری

تئوری‌های اقتصادی سنتی بر الگوی «مرد نان‌آور» متکی هستند. در این تئوری‌ها، مرد است که تمام وقت، در سراسر طول زندگی برای تأمین خانواده خود کار می‌کند. بر این اساس، زنان که در الگوی «نان‌آور» بودن، نمی‌گنجند - چون تصور می‌شود وابسته هستند - حقوق کمتری دارند. بنابراین، تمرکز بر حقوق بشر برای زنان اهمیت دارد، چراکه نقطه مقابل سیاست‌هایی است که صرفاً بر رشد اقتصادی توجه دارند و الگوهایی را که معتقدند زنان در موقعیت وابستگی به مردان هستند به چالش می‌کشند.^۲

1. [www.sedayemardom.net]

2. [www.irwomen.info]

پیشنهادهای

درنهایت باید متذکر شد از آنجا که در هر کشوری، سرمایه انسانی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در توسعه، نقش به سزایی ایفا می‌کند، زنان نیز به عنوان نیمی از جمعیت هر کشور، معمولاً سهم قابل توجهی در توسعه دارند. توسعه پایدار در صورتی محقق می‌شود که مشارکت تمامی افراد، اعم از زن و مرد، در آن لحاظ شود. باتوجه به تعهدات ما نسبت به اهداف توسعه هزاره تا سال ۲۰۱۵ و براساس ماده ۱۱۱ از فصل نهم قانون برنامه چهارم توسعه کشور مبنی بر ارتقای نقش و مشارکت زنان در جامعه، ما موظف به توجه بیشتر به زنان، به ویژه زنان توانمند و متخصص هستیم.

در این راستا، راهکارهایی برای حل این مسئله و فراهم آوردن شرایط مناسب‌تر برای فعال‌تر کردن نیمی از جامعه ارائه می‌شود:

- ایجاد فرصت‌های لازم برای تأسیس انجمن‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و به طور کلی، مراکز تجمع زنان برای آگاهی از کم و کیف پتانسیل‌های موجود؛

- برگزاری دوره‌های آموزشی برای زنان و آشنایی با حقوق خود، فراهم کردن زمینه‌های خودباوری در زنان و آگاه کردن آنها از قابلیت‌ها و توانایی‌های فردی آنها؛

- برگزاری سمینارها و تشکیل کارگاه‌های آموزشی برای آشناسدن مدیران، سیاستگذاران و

تصمیم‌گیران با مقوله جنسیتی و فواید حضور مؤثرتر زنان در رده‌های بالای تصمیم‌گیری؛

- تشویق و ترغیب مدیرانی که از زنان در سطوح بالای سازمانی استفاده می‌کنند و امکان ثابت کردن لیاقت آنان را با دادن فرصت‌های لازم فراهم می‌آورند.

- معرفی زنان برتر و مقایسه عملکرد آنان با مردان همپایه آنها؛

- تلاش در جهت تنظیم کتاب‌های درسی متناسب با مسائل روز و تأکید بر مفاهیمی

مانند رفتار مشارکتی در خانواده؛

- عمل کردن مسئولان نظام به شعارهای انتخاباتی خود در مورد زنان؛

- انجام پژوهش‌های علمی در باب مسائل زنان، به ویژه در مباحث اشتغال، مدیریت و

نقش آنان در توسعه کشور؛

- رفع کلیه موانع قانونی و سنتی موجود در تضمین اعمال قوانین مرتبط با برابری بین

زنان و مردان؛

- تضمین اهمیت تصدی و حقوق مالکیت برابر زنان؛

- توسعه دسترسی برابر مردان و زنان به کلیه سطوح آموزشی و کارآموزی حرفه‌ای؛

- افزایش فرصت‌ها برای زنان به منظور ایفای نقش کامل و برابر در فناوری و در ارتقا،

هم به عنوان کارآفرین و هم به عنوان کارمند؛

- تأمین حمایت لازم از زنان برای انتخاب نحوه ترکیب شغل و زندگی خانوادگی، شامل

دسترسی راحت به خدمات؛

- تضمین دسترسی برابر زنان به خدمات بهداشتی که پاسخگوی نیازهای خاص آنان و

نیازهای مرتبط به حفاظت اجتماعی و حقوق و مزایای بیکاری باشد؛

- ارائه متوازن فرصت‌های سیاسی و قرارگیری در کلیه مسندهای دولتی در تمامی

سطوح به منظور قادر ساختن زنان به ایفای نقشی فعال در فرایند تصمیم‌گیری؛

- تأمین نقشی مساوی در توسعه و مدیریت شهرها برای زنان برای حصول اطمینان

از اینکه در بخش‌های مسکن، زیرساخت، آب و فاضلاب، خدمات اجتماعی و سیستم‌های

حمل و نقل نیازهای زنان مدنظر قرار گرفته است.

- یکپارچه‌سازی ساختن تساوی جنسیتی در توسعه کلیه زمینه‌های سیاست عمومی و تخصیص

بودجه با احتساب نیازهای مردان و زنان و تلاش برای نیل به این مهم از طریق فرایند

مشارکتی؛

- ایمن‌سازی شهرها برای زنان به وسیله تأمین محیطی امن در فضای عمومی، محیط‌های

کار و منازل از طریق طراحی مناسب؛

- مبارزه با کلیه اشکال خشونت علیه زنان، داخل و خارج از منزل و تأمین خدمات

حمایتی از قبیل کمک‌های پزشکی و روانی، سرپناه و خدمات حقوقی؛

- تدوین سیاست‌هایی برای محافظت از زنان در مسندهای آسیب‌پذیر، شامل زنان متأثر از جنگ و بلایای طبیعی، زنان پناهنده، کارگران زن مهاجر و اقلیت‌های قومی و دینی و زنان معلول.

کتابنامه

گزارش اهداف توسعه هزاره، ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷. سازمان ملل متحد؛ دفتر هماهنگ‌کننده مقیم سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران. انتشارات برگ زیتون.

برنامه توسعه سازمان ملل. ۱۹۹۵. دفتر هماهنگ‌کننده مقیم سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران. انتشارات برگ زیتون.

اعزازی، شهلا. ۱۳۸۰. تحلیل ساختاری جنسیت در نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

روحانی، مینا. ۱۳۸۴. مطالعه وضعیت رفاهی زنان سرپرست خانوار، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد مطالعات زنان - دانشگاه تربیت مدرس.

فتحی، کوروش و دیگران. ۱۳۸۲. دانش زیست‌محیطی زنان برای توسعه پایدار. دانشگاه شهید بهشتی.

محمدی اصل، عباس. ۱۳۸۱. جنسیت و مشارکت. چاپ روشنگران و مطالعات زنان.

میرزایی، حسینعلی. ۱۳۸۱. بررسی نگرش مدیران و کارکنان ادارات و سازمان‌های شهر تبریز در خصوص علل و موانع عدم حضور زنان در پست‌های بالای سازمانی. استناداری آذربایجان شرقی.

Human Development Research, 2000-2007, United Nation Development Program (UNDP).

<http://www.articles.ir/article1336.aspx> , Accessed on June 2008.

http://www.civilica.com/Paper-IRSEN06-IRSEN06_028.html, Accessed on May 2008.

<http://www.edujavanrood.blogsky.com/?PostID=55>, Accessed on May 2008.

<http://www.fakouhi.com/node/67>, Accessed on June 2008.

<http://www.hawzah.net/hawzah/Magazines/MagArt.aspx?id=44713>, Access on May 2008.

<http://www.irwomen.info/spip.php?article3856>, Accessed on May 2008.

<http://www.karafarinan-razavi.ir/news/detail.asp?id=921>, Accessed on June 2008.

<http://www.moalemrc.com/Articlesview.asp?key=7> , Accessed on May 2008.

۱۹۳ ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در ...

<http://www.parswoman.com/view.aspx?tid=1&cid=2&sid=2796>, Accessed on May 2008.

<http://www.sedayemardom.net/300/seda370.htm>, Accessed on June 2008.

<http://www.shahrefarda.com/showtext.php?id=307>, Accessed on June 2008.

http://www.sociologyofiran.com/index.php?option=com_content&task=view&id=234&Itemid=65, Accessed on May 2008.

<http://www.tebyan.com/Social/SocialStudies/Interview/2003/10/17/3944.html>, Accessed on June 2008.

<http://www.tehransama.ir/NewsDetail.aspx?NewsID=23831>, Accessed on May 2008.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی